



## آیا قهر مدعیان اصلاحات از انتخابات موجب کاهش مشارکت می‌شود؟

حجت الاسلام دکتر قاسم روان‌بخش

درباره ادعاهای فوق چند نکته به نظر می‌رسد:

۱. مقایسه انتخابات مجلس شورای اسلامی با انتخابات ریاست جمهوری و حتی انتخابات شوراهای (زمانی که جداگانه برگزار می‌شد) اشتباه است. در انتخابات ریاست جمهوری در هیچ دوره‌ای چنین نبوده است که اصلاح‌طلبان از انتخابات قهر کرده باشند بلکه همواره در انتخابات حضور داشته و در اکثر آن‌ها هم پیروزی از آن خود کرده‌اند. در دوره هاشمی رفسنجانی و دو دوره خاتمی و دو دوره روحانی مواضع آن‌ها مشخص بوده و از این نامزدها طرفداری کرده‌اند. تنها در انتخابات نهم و دهم بود که به مخالفت با احمدی‌نژاد برخاستند و در انتخابات ۸۸ نیز به رغم شکست سنگین، فتنه‌انگیزی کردند. آمار مشارکت مردم در انتخابات ده دوره نشان می‌دهد که غالب روسای جمهوری در دور دومشان از آرای کمتری برخوردار شده‌اند. بالاترین آمار مشارکت مربوط به دور سوم که به ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای انجامید ۷۴ درصد و دور هفتم ریاست جمهوری خاتمی ۷۹ درصد و دور دهم ریاست جمهوری محمود

این روزها سردمداران مدعیان اصلاحات در سایت‌ها و کانال‌های خودشان تهدید می‌کنند که اگر شورای نگهبان در انتخابات ریاست جمهوری، عناصر اصلی ما را از گردونه رقابت حذف کند از انتخابات خداحافظی کرده، زنگ تحریم انتخابات خاموش را به صدا در خواهیم آورد. آن‌ها این‌گونه وانمود می‌کنند که نظام در انتخابات ۱۴۰۰ با مشارکت حداقلی مواجه خواهد شد و این کاهش مشارکت، معلول قهر آن‌ها است. چنان که در انتخابات مجلس در سال ۹۸ که این جریان از رقابت‌های انتخاباتی کنار گذاشته شد، مشارکت کاهشی شد و به پایین‌ترین میزان مشارکت در ده دوره انتخابات مجلس (۴۲ درصد) رسید. پیش‌بینی آن‌ها در این دوره از انتخابات ریاست جمهوری، نیز به مراتب کمتر از ۴۲ درصد است. برخی از آن‌ها تهدید دیگری نیز در ادامه مطرح می‌کنند که در صورت کاهش مشارکت، ایران با چالش‌های امنیتی نیز مواجه خواهد شد.





**افزایش و کاهش مشارکت  
بیشتر به عملکرد دولت‌ها  
برمی‌گردد؛ هر گاه دولتی بر  
سرکار آمده که به جای خدمت  
به مردم به مسائل حاشیه‌ای  
و سیاسی و بی‌ارتباط با زندگی  
مردم پرداخته است، مشارکت  
مردمی روند کاهشی طی کرده  
است. ولی زمانی که دولتی پرکار  
و پرتلاش به سرکار آمده و به  
جای مسایل حاشیه‌ای، به حل  
مشکلات مردم پرداخته است  
مشارکت مردمی را افزایش  
یافته است. نمونه آن را می‌توان  
در مقایسه دولت دوم خاتمی  
و مجلس ششم با انتخابات  
مجلس هفتم مشاهده کرد.**

احمدی‌نژاد ۸۵ درصد بوده است در بقیه موارد، آمارها مشارکت  
بین ۵۰ درصد تا ۶۵ درصد را نشان می‌دهد.

۲. مشارکت سیاسی مردم در انتخابات مجلس، در ده دوره یعنی  
از مجلس اول تا مجلس دهم از ۵۲ درصد تا ۷۱ درصد بوده است  
جدول ذیل نشان می‌دهد که میانگین مشارکت مردم در انتخابات  
مجلس شورای اسلامی ۶۲ درصد بوده است و بالا رفتن یا پایین  
آمدن درصدی در برخی انتخابات معلول برخی شاخص‌ها و شرایط  
خاص سیاسی اجتماعی و اقتصادی بوده، و قهر و آشتی برخی  
جریانات سیاسی در آن، تاثیر چندانی نداشته است. به عنوان نمونه  
می‌توان به انتخابات مجلس هفتم اشاره کرد که اصلاح‌طلبان  
با تحصن در مجلس به دنبال تحریم انتخابات بر آمدند و با  
استفاهای دسته جمعی استناداران، به دنبال تعویق یا حذف  
انتخابات برآمدند که با موضع‌گیری قاطع مقام معظم رهبری  
مواجه شده مجبور به برگزاری انتخابات شدند. از این انتخابات  
برغم تحریم این جریان سیاسی مشارکت ۵۱ درصدی رقم خورد  
که نسبت به مشارکت در مجلس ششم (۶۷ درصد) که اوج فعالیت  
اصلاح طلبان بوده است تنها ۱۶ درصد کاهش را نشان می‌دهد.  
که در صورت پذیرش این که قهر جریان اصلاح‌طلبی به عنوان  
تنها شاخص کاهش مشارکت، می‌توان گفت پایگاه اجتماعی  
مدعیان اصلاحات در کشور ۱۶ درصد است. البته گذر زمان این  
میزان محبوبیت آن‌ها را کاهش داد زیرا زمانی که در انتخابات  
مجلس نهم (سال ۱۳۹۰) همین جماعت انتخابات را تحریم کردند  
مشارکت سیاسی از ۵۵ درصد مجلس هشتم با ۸ درصد رشد به  
۶۴ درصد رسید. در انتخابات مجلس نهم، رقابت جدی میان دو  
جریان جبهه پایداری انقلابی اسلامی و جبهه متحد اصولگرایان  
برقرار شد و اصلاح‌طلبان به گوشه عزلت خزیدند. این آمار نشان  
می‌دهد که جریان اصلاحات در گذر زمان پایگاه اجتماعی خودش  
را از دست داده است به طوری که قهر آن‌ها از صندوق آراء، نه  
تنها موجب کاهش مشارکت نشده بلکه افزایش ۸ درصدی نیز به  
دنبال داشته است. نمونه دیگری که می‌توان بر این مدعا شاهد  
آورد کاهش مشارکت مردم در انتخابات شوراها بود که در انتخابات  
اول شوراها مردم با ۶۴ درصد شرکت کردند ولی در انتخابات دوم  
شوراها برغم حضور چشم‌گیر اصلاح‌طلبان و حتی لیست جداگانه  
نهضت آزادی ۴۹ درصد مردم در انتخابات شرکت کردند و مردم  
تهران تنها ۲۲ درصد به پای صندوق‌های رای آمدند و لیست  
نهضت آزادی تنها ۲ درصد آرا را به خود جلب کرد این در حالی بود  
که نظارت بر انتخابات دور دوم به عهده نمایندگان مجلس ششم  
بود که گفته بودند «ما تنها وابستگان به کومه، دمکرات و منافقین  
آن هم در صورت ارائه اسناد جدید از سوی وزارت اطلاعات را رد  
صلاحیت کردیم».

۳. اگر بخواهیم واقعیت مطلب را بیان کنیم افزایش مشارکت و  
کاهش مشارکت ارتباطی به قهر و صلح جریانات سیاسی ندارد  
مردم به نظام اسلامی معتقدند و با توصیه و تاکید ولایت و

مرجع عظام شرکت در انتخابات را وظیفه شرعی خود می‌دانند. ولی  
افزایش و کاهش مشارکت بیشتر به عملکرد دولت‌ها برمی‌گردد؛  
هر گاه دولتی بر سرکار آمده که به جای خدمت به مردم به مسائل  
حاشیه‌ای و سیاسی و بی‌ارتباط با زندگی مردم پرداخته است،  
مشارکت مردمی روند کاهشی طی کرده است. ولی زمانی که دولتی  
پرکار و پرتلاش به سرکار آمده و به جای مسایل حاشیه‌ای، به  
حل مشکلات مردم پرداخته است مشارکت مردمی را افزایش یافته  
است. نمونه آن را می‌توان در مقایسه دولت دوم خاتمی و مجلس  
ششم با انتخابات مجلس هفتم مشاهده کرد. انتخابات مجلس هفتم  
را دولت آقای خاتمی برگزار کرده است ولی به دلیل عملکرد منفی  
و حاشیه‌ای آن دولت و مجلس هماهنگ با آن، مردم در انتخابات،  
۱۶ درصد کاهش مشارکت داشته‌اند ولی در دولت نهم به دلیل  
فعالیت‌های گسترده عمرانی و خدمات‌رسانی به مردم در انتخابات  
مشارکت افزایش داشته و از ۵۱ درصد به ۵۵ درصد در مجلس هشتم  
و سپس به ۶۴ درصد در مجلس نهم ارتقا یافته است. در انتخابات  
شورای شهر نیز به دلیل عملکرد منفی شوراهای اول که عمدتاً از  
جناح اصلاح‌طلبان انتخاب شده بودند روند کاهشی طی شد و در  
انتخابات شوراهای دوم از ۴۴ درصد به ۴۹ درصد نزول کرد. البته  
این کاهش در تهران بسیار چشم‌گیر بود زیرا تهرانی‌ها مشارکت  
۲۲ درصدی را تجربه کرده بودند. می‌توان کاهش مشارکت مردم  
در انتخابات ۹۶ را معلول عملکرد دولت اول آقای روحانی دانست.  
این عملکرد نامطلوب کار را به جایی رساند که میزان مشارکت را از  
۶۲ درصد به ۴۲ درصد رساند. البته اگر در این دوره این روند کاهشی  
ادامه یابد باز هم معلول مدیریت ضعیف و ناکارآمد دولت مورد تایید  
اصلاح‌طلبان است که در این دو دوره حاکمیت خود، بدترین نوع  
مدیریت را بر کشور اعمال کردند. افزایش قیمت ارز و سکه و طلا  
و تورم کمرشکن و گرانی کالاهای اساسی در حد بیش از سه الی  
پنج برابر چنان فشاری بر گرده مردم آورده که در هیچ دوره‌ای  
از دوره‌های ریاست جمهوری بعد از انقلاب مردم آن را تجربه  
نکرده‌اند. بنابر این، این جریان به دنبال تحریف واقعیت‌هاست و با  
دادن آدرس عوضی به جای پذیرش واقعیت‌ها می‌خواهند کاهش  
مشارکت را به گردن نظارت استصوابی شورای نگهبان بیان‌اند.

۴. در انتخابات ۹۸ نیز هر چند اصلاح‌طلبان به ظاهر با انتخابات قهر  
کردند ولی در اکثر شهرها و استان‌ها نامزد داشتند و در تهران نیز  
لیستی با سرلیستی مجید انصاری ارائه کردند و آقای خاتمی نیز در  
انتخابات شرکت کرد و رای خود را به صندوق انداخت. ولی میزان رای  
مجید انصاری با ۶۹ هزار و ۱۵۱ رای کسب کرده که از لحاظ درصدی،  
۳۰۷۵ درصد آراء را شامل می‌شود، به نفر ۳۱ رسید. هر چند میزان  
مشارکت مردم کل کشور در انتخابات ۹۸، بیش از ۲۲۵۷ درصد بود و  
از طرفی ۲۶ درصد تهرانی‌ها در انتخابات مشارکت کردند. ولی در این  
انتخابات هم چنین نبود که اصلاحاتی‌ها انتخابات را واقعا تحریم کرده  
باشند. لیست تهران با سر لیستی مجید انصاری خود گواه بر مدعاست.

منبع: پرتو سخن، شماره ۱۰۰۸